Safeeneh
A Research Journal of Persian
Language, Literature and Culture
No.23, pp 16-36

سفینه
مجلۀ تحقیقی در زمینۀ زبان، ادبیات و فرهنگ فارسی
شمارۀ ۲۳ میلادی،صص ۱۶-۳۶

معرفی جامعه محمدی شریف و مؤسس آن مولانا محمد ذاکرؒ

INTRODUCTION TO JAMIA MUHAMMADI SHARIF AND ITS FOUNDER, MAULANA MUHAMMAD ZAKIR

غلام رسول

مدرس فارسی، دارالعلوم جامعه محمدی شریف، چنیوت

حافظ احمد یار

رئیس گروه زبان و ادب فارسی، دانشکده دولتی،جامعه محمدی شریف، چنیوت

Abstract:

This study introduces Jamia Muhammadi Sharif and the life, vision, and institutional contributions of its founder, Maulana Muhammad Zakir. It situates the emergence of the institution within the broader intellectual and spiritual history of Punjab, highlighting Sufi influence, educational reform, and community development. The article traces the evolution of the seminary from a local Quranic center to a comprehensive academic institution integrating religious and modern sciences. It also examines curricular reforms, organizational growth, and the continuation of leadership through successive generations. By analyzing its educational philosophy, the study demonstrates how Jamia Muhammadi Sharif embodies a holistic model of knowledge, spirituality, and social transformation in contemporary Muslim society. It highlights enduring relevance for faith-based education, ethical leadership, and sustainable community development.

Key Words:

Jamia Muhammadi Sharif; Maulana Muhammad Zakir, Islamic Education, Sufi tradition

چکیده:

این مقاله به معرفی جامعۀ محمدی شـریف و بررسـی زندگی، اندیشـه و خدمات علمی و تربیتی مؤسـس آن، مولانا محمد ذاکر، می‌پردازد. پژوهش حاضـر پیدایش این مرکز علمی را در بسـتر تاریخی، فکری و معنوی منطقۀ پنجاب تحلیل کرده و نقش سنت‌های صوفیانه را در شکل‌گیری روی کرد، تربیتی آن تبیین می کند. همچنین روند تحول این نهاد آموزشی از یک مرکز ابتدایی تعلیم قرآن به یک مؤسـسـۀ علمی جامع که علوم دینی و معارف جدید را به صـورت هماهنگ ارائه می دهد، بررسـی شـده اسـت. در این تحقیق به اصـلاحات برنامه‌های درسـی، گسـترش سـاختار اداری و تداوم رهبری علمی در نسـل‌های بعدی نیز توجه شده است. نتایج نشان می‌دهد که جامعۀ محمدی شریف نمونۀ موفقی از پیوند دانش، معنویت و خدمت اجتماعی در جامعۀ معاصر اسلامی به شمار می آید. این الگو می تواند در توسعۀ آموزش دینی و رهبری اخلاقی نقش مؤثری ایفا کند.

واژه های کلیدی:

جامعه محمدی شریف، مولانا محمد ذاکر، تعلیمات اسلامی، تصوف و عرفان

این حقیقت بر اربابِ دانش و بینش پوشـیده و نهان نیسـت که بر آسـمانِ روشـنِ، تاریخِ هزارسـالۀ پرافتخارِ شـبه قاره، شـماری از صـوفیان همچون ستارگانی درخشان جلوه گر شدند، ستارگانی که پرتوِ فروغشان راه‌های تاریکِ کفر و الحاد را روشـن سـاخت و خود برای مسـافرانِ گم گشـته، از جادۀ حق چراغِ راه شـدند. دامانِ تاریخِ شـبه قاره از کارنامه‌های علمی، روحانی و حتی رزمیِ آن بزرگان سـرشـار اسـت. به ویژه سـرزمینِ پنجاب، با جلوه‌های نورانیِ

تمدن و فرهنگِ اسلامی، همواره همچون وادیِ ایمن درخشیده است. شکی نیست که کارنامۀ درخشانِ اولیا، علما، فضلا و مردانِ میدانِ جهاد و پیکار، به این سرزمین جایگاهی ممتاز بخشیده است. خاکِ پنجاب زادگاهِ هزاران صاحبِ کشف و کرامت، دلباختگانِ علم و هنر، سالکانِ طریقِ معرفت و یاورانِ عزت و شکوه بوده است. قرن‌هاست که بر این آستانۀ علم وعرفان، کاروان‌های اهلِ دل و صاحبانِ خرد آمده اند. یکی کتابِ دل در دست داشت و دیگری چراغِ اندیشه فروزان کرده بود. هر تازه واردی با خود عطرِ دانش و روشناییِ حکمت آورد و بدین گونه فضای این سرزمین را فروزان تر ساخت. وجودِ این نفوسِ قدسیه، چراغی گران‌بها بر پیشانیِ تاریخ است که فروغش هرگز کم نمی شود. در صفِ این ستارگانِ درخشان، نامِ مولانا محمد ذاکر نیز می‌درخشد. شخصیتی که وجودش آمیزه‌ای دلنشین از علم و عرفان، تدبیر و خدمت، و اخلاص و کردار بود، چنان که یادِ او تا هنوز دل‌های اهلِ علم را روشن و منوّر ساخته است.

معرّفی مولانا محمد ذاکر:

بنیان گذار جامعه محمدی شریف، حضرت مولانا محمد ذاکر رحمۃ الله، در لحظه‌ای نورانی چشم به جهان گشود که بر افق عالم چراغِ علم و عرفان روشن ساخت. اهلِ دانش و مورخ دربارۀ سال ولادت ایشان اختلاف نظر داشته اند. برخی سال‌های ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴ و ۱۹۰۶ ذکر کرده‌اند(انجم، ۱۹۸۵م، ص ۷۵)، امّا نزد دلِ آرام و روحِ صوفیانه، معتبرترین روایت همان است که خود مولانا فرموده‌اند: «من در سال ۱۹۰۳ متولد شدم». حضرت خواجه محمد دین

سیالوی، نام «محمد ذاکر» برای ایشان برگزیدند(ذاکر، ۱۹۴۹م). نامی که تنها نشـانه‌ای تاریخی نیسـت، بلکه جلوه گاه گوهرهای علم، عرفان و خدمت در شـخصـیت ایشـان اسـت. در طرح اجمالی زندگی مولانا و نیز در بروشـورهای جامعۀ محمدی، همین تصـور نورانی، سـال ۱۹۰۳م را به عنوان سـال ولادت ایشان تثبیت کرده اند.

حضـرت مولانا محمد ذاکر رحمة الله، روز پنج شـنبه سـاعت هشـت و نیم صـبح، از محفل این جهان رخت بربسـت و به بارگاه ربّ کریم شـرف حضـور یافت. سـوم ذوالحجه سـال ۱۳۹۶ هجری، برابر با ۲۵ نوامبر ۱۹۷۶، لحظه‌ای بود که در آن عالم ربانی و صـوفی‌ای وارسـته، رهبری دلسـوز و مربی‌ای مهربان، در دریای محبت و فیض خالق خویش غرق شـد(قصـوری، ۱۹۷۶م، ص ۲۳۵). چنان که گویی، چراغِ هدایت، نور خود را بر زمین به یادگار نهاد و در روشـنایی آسـمانی جاودانه محو گردید. تابندگی وجود او هنوز در دل‌های اهل علم و عرفان طنین انداز اسـت و موج فیوضـات روحانی‌اش سـینه هر طالبِ حق را روشن و منور می‌سازد.

حیات و خدمات:

زمانِ کودکیِ حضـرت مولانا محمد ذاکر رحمة الله در لحظاتی نورانی سپری شد که در ظاهر و باطن، آراسته به استعدادهایی کم نظیر بود. او مانند کودکان دیگر به بازی و سـرگرمی‌های معمولی، مشـغول نمی شـد و هرگز، به بی راهه کشـیده نشـد، بلکه احترام به بزرگان، مهربانی با کوچک ترها و اصـلاح همسـالان از ویژگی‌های دوران کودکی او بود. او در خانواده‌ای علمی و دینی

دیده به جهان گشود. خانواده‌ای که در آن آموزش قرآن کریم نخستین و مهم ترین وظیفه شمرده می شد. تعلیمات ابتدایی خود را نزد جدّ گرامی‌اش حضرت میاں عبدالرحمن فراگرفت. سپس قرآن مجید را نزد پدر بزرگوارش حضرت میاں عبدالغفور در مسجد جامعۀ محمدی شریف به طور کامل به پایان رساند، در حالی که سن او در آن زمان حدود دوازده سال بود(انجم، ۱۹۸۵م، ص ۷۸). در کنار آموزش‌های ابتدایی، مولانا چند کتاب مقدماتی زبان فارسی را نیز مطالعه کرد و بدین‌گونه سفر علمی خویش را آغاز نمود. در همین دوران فرمود:

امروز شاه شاهان مهمان شده ست ما را
جبریل با ملایک دربان شده ست ما را
(همان، ۸۲)

این بیت، جلوه‌های نخستینِ ذوق علمی و روحانی او را نشان می دهد. ذوقی که بعدها در همه ابعاد شخصیتش به گونه‌ای آشکار جلوه گر شد.

در عرصه تعلیم و تربیت، منازل علمی و روحانیِ حضرت مولانا محمد ذاکر رحمۃ لله بسیار متحرک و سرشار از معنویت بود. پس از آموزش‌های ابتدایی، تحصیلات خود را نزد مولانا سلطان محمد در چنیوت و جهنگ ادامه داد، سپس برای فراگیری علوم دینی به مدرسه نعمانیه ملتان شریف و جامعه عباسیه بهاول پور رفت و از آن مراکز علمی بهره‌های فراوان برد(همان، ص ۸۱). در دورۀ عالی حدیث، به مطالعه و تدریس مهم ترین منابع حدیثی از جمله صحیح مسلم، صحیح بخاری، سنن ابی داؤد، جامع ترمذی، سنن نسائی،

سنن ابن ماجه، شرح معانی الآثار طحاوی و موطا امام مالک پرداخت. (اداره، بی تا، ص ۱۰) در همین دوران، تحت فیض و تربیت شیخ بزرگوارش حضرت خواجه محمد ضیاء الدین سیالوی در تحریک خلافت شرکت جست و در برابر سلطه بیگانه خدماتی مجاهدانه انجام داد(انجم، ۱۹۸۵م، ص ۸۳). شور و حرارتی که در زندگی عملی، علمی و سلوکی او دیده می‌شود، همه از برکت تربیت شیخ و فیوضات روحانی او بود. شب‌های خویش را در سجده و دعا سپری می کرد و برای نابودی ظلم و جهل و خدمت به انسانیت پیوسته، دست به دعا داشت. زندگی او نمونه‌ای درخشان از روح آزادی‌خواهی، اخلاص، فروتنی، تقوی و معرفت الهی بود.

معرفی جامعه:

روزگاری که پیشرفت‌های مادّی اگرچه، افق‌های تازه‌ای، آگاهی انسان گشود، امّا عطش معنوی او را ژرف تر ساخت، شخصیتی با مشرب صوفیانه با در هم آمیزی عقل و وجدان، بنیان مدرسه‌ای دینی نهاد. تأسیس این، تنها برای آموزش‌های رسمی نبود، بلکه هدف آن هماهنگ ساختن عقلِ سلیم با نورِ باطن بود، تا علم صرفاً انباشته‌ای از الفاظ نماند، بلکه وسیله‌ای برای پرورش شخصیت و تعالی انسان گردد.پایه‌های این مدرسه بر این باور استوار شد که وحی و عقل در تعارض با یک دیگر نیستند، بلکه تکمله همدیگری است. لهذا در اینجا، در کنار تدریس متون دینی، به پرورش فکری، تهذیب اخلاقی و ارتقای آگاهی اجتماعی نیز به یکسان توجه می شود. بدین‌سان، این مدرسه تنها یک مرکز آموزشی نیست، بلکه جلوه‌ای سنجیده و باوقار از

بیداری فکری، رشد معنوی و اصلاح اجتماعی مبتنی بر اعتدال به شمار می آید.

آغازِ مؤسسه:

حضرت مولانا محمد ذاکر پس از آنکه در شهرها و مدارس گوناگون عطش علمی خویش را فرو نشاندند، به قریه محمدی شریف بازگشتند و در دل ایشان آرزویی پایدار شکل گرفت که نهادی تأسیس شود تا وضعیت آموزشی منطقه را بهبود بخشد و زمینه ساز خدمات ملی و دینی گردد. در این روستا از سدهٔ یازدهم هجری آموزش قرآن کریم پیوسته جریان داشت و آوازهٔ این حلقهٔ قرآنی در سراسر کشور گسترش یافته بود. آغازگر این سنت علمی، نیای بزرگ حضرت مولانا، حضرت حافظ میاں امام الدین بودند. پس از ایشان، فرزندشان این سلسلهٔ علمی را ادامه داد. جایی که افزون بر آموزش‌های ابتدایی دینی، درس‌های تفسیر قرآن، حدیث، فقه و تصوف نیز ارائه می شد. این فعالیت‌های آموزشی و تدریسی در مسجد جامع قریهٔ محمدی شریف و اتاق‌های آموزشی وابسته به آن به طور مستمر ادامه داشت.

سرانجام در سال ۱۹۳۱م، حضرت مولانا محمد ذاکر بنیاد مکتبه ملیه اسلامیه را نهادند، و در همین مسیر، در تاریخ ۱۸ محرم‌الحرام ۱۳۵۲ق مطابق با ۱۴ مه ۱۹۳۳م، به‌گونه‌ای رسمی مدرسه عربیه جمعیت تعلیم الاسلام محمدی تأسیس گردید. بر اساس منابع گوناگون، این نهاد از همان زمان به‌صورت عملی فعالیت خود را آغاز کرد، و بدین‌سان قریه محمدی شریف به عنوان

مرکزی علمی و روحانی جلوه‌گر شـد. مرکزی که چراغ فروزان دانش، تربیت و خدمت را در سراسر منطقه برافروخت. (همان، ص ۵)

تاسیس دارالعلوم محمدی:

در سـال ۱۳۵۷ق نام جمعیتِ تعلیم الاسـلام محمدی به دارالعلوم محمدی شـریف تغییر داده شـد، و عنوان «جمعیتِ تعلیم الاسـلام» به کمیتهٔ ابتدایی اختصـاص یافت که در تحقق اهداف و مقاصـد دارالعلوم نقش معاونت و پشـتیبانی داشـت. بتدریج علاقه و مشـارکت مردم در این افزایش یافت و دارالعلوم محمدی فعالیت‌های خود را عملاً آغاز کرد. اهداف و برنامه‌های مؤسسه نیز گام به گام گسترش یافت، و همراه با توسعهٔ نظام آموزشی، نیاز به سـاخت مسـجد، دارالاسـاتذه، دارالحکمت، کتاب خانه و تالارهای مباحثه احسـاس شـد. همه این امور با یاری خداوند متعال و همکاری عموم مردم آغاز گردید، و نخسـتین گام در این مسـیر، فراهم سـاختن زمین مورد نیاز بود(همان، ص ۲۳).

بر موقع عیدالأضـحی سـال ۱۳۵۸ق در مسـجدِ دارالعلوم محمدی شـریف، حضـرت میاں عبدالغفور رحمه‌الله فرمودند که چون این مدرسـه از فیضِ حضرت فقیر صاحب سرچشمه گرفته و خدمتی کاملاً دینی و خالصانه است، بنابراین همهٔ مردم باید در پشـتیبانی و همکاری با آن مشـارکت کنند. در پی این دعوت، میاں برادران با تمام توان حمایت نمودند و زمین‌های خود را وقف کردند. همچنین برای آن‌که اراضـی پیرامون دارالعلوم به‌صـورت پیوسـته و متصل درآید، تدابیری برای تبادل زمین‌ها نیز فراهم گردید.

در سال ۱۳۵۸ق بر شمار کارکنان و مدرّسان مدرسه افزوده شد و تعداد استادان به هفت تن رسید. ریاست مدرسه به مولانا علامه احمد بخش صاحب سپرده شد و مولانا محمد ذاکر سمتِ ناظم را بر عهده داشتند. شمار طلاب به ۱۸۳ نفر رسید و نخستین امتحانات دارالعلوم در چهارم شعبان المعظم سال ۱۳۵۸ق برگزار گردید. در این امتحانات ۴۴ کتاب درسی گنجانده شده بود که از میان آن‌ها ۳۵ کتاب به زبان عربی و ۹ کتاب به زبان فارسی بود. امتحان ۱۷ کتاب عربی را حضرت خواجه محمد قمر الدین سیالوی برگزار کردند که از جمله آن‌ها تفسیر، مدارک، سنن ابی داؤد، سنن ابن ماجه، مشکوٰۃ شریف، ترجمۂ قرآن مجید، اصول الشاشی و رسالۂ اصول فقه قابل ذکر است.حضرت خواجه محمد قمر الدین سیالوی فرمودند:

> تدریسِ ۴۴ کتاب، گواهِ توجهِ جناب مهتمم صاحب و فداکاری و جان‌فشانیِ حضراتِ اساتید است(همان، ص ۲۵)

در همین دوران، دارالعلوم محمدی شریف سلسلۂ علم و تدریس را به‌طور پیوسته ادامه داد. استادانِ گرامی، تشنگی علمیِ طلاب را فرو نشاندند و این نهاد در خدمت به کشور و ملت نیز سهمی شایسته ایفا کرد. حضرت مولانا محمد ذاکر رحمه‌الله نه تنها در رشد و پیشرفت این مؤسسه راهنمایی و سرپرستی داشتند، بلکه در نهضتِ پاکستان و جنبش خلافت نیز نقشی فعال ایفا نمودند؛ در میان مردم روحیۂ آزادی‌خواهی و میهن‌دوستی را برانگیختند و آگاهی و شعور مقابله با ظلم و استبداد را گسترش دادند. بدین‌سان، دارالعلوم

محمدی شریف نه تنها به عنوان مرکزی علمی و دینی شهرت یافت، بلکه در منطقه به صورت ستونی استوار از نورِ علمی و معنوی جلوه‌گر شد.

مسافرت دارالعلوم تا جامعه محمدی:

در پرتو آرمان‌های بلند و اهداف تکاملیِ دارالعلوم محمدی شـــریف، خادمان دارالعلوم سال روز تأسیس این مؤسسه را در ۱۸ محرم الحرام ۱۳۶۷ هجری با آغاز فصلی نو و با نامی تازه گرامی داشتند. در همین مناسبت، نام مؤسسه رسماً «جامعه محمدی» نهاده شد و تصمیم بر آن قرار گرفت که این جامعه بر معیار دانشگاه مرکزی اسلامی ـ عربیِ پنجاب استوار گردد تا به عنوان مرکزی علمی و دینی در برابر ملت جلوه‌گر شود. نام کامل این «جامعه عربیه اسلامیه محمدی» پیشنهاد شد، اما در عرف برای آسانی،تنها با نام «جامعه محمدی» شناخته شد(روداد، بی تا، ص ۶).

واژۀ «جامعه» از زبان عربی گرفته شده و به مؤسسه‌ای اطلاق می‌شود که در آن علوم و فنون آموزش داده شـــود و در معنای جدید، این واژه معادل «دانشگاه» به کار می‌رود. از نظر تاریخی، این اصطلاح نخستین بار در اواسط قرن نوزدهم برای دانشگاه‌های نوین استعمال شد و در مصر با تأسیس جامعه المصریه در سال ۱۹۰۴م صورت عملی یافت. در پاکستان اگرچه در آن زمان چند دانشگاه وجود داشت، اما برخی مدارس دینی نیز با نام «جامعه» شناخته می‌شدند که از جملۀ آن‌ها جامعه اشرفیه لاهور و جامعه محمدی چنیوت قابلِ ذکر اند.

بنیاد آموزشی جامعه محمدی بر اندیشه‌ای بلند و هدفی مشخص استوار نهاده شـــد. نظام‌های پیشـــین آموزشـــی، علوم دینی و علوم دنیوی را به دو جریان جداگانه تقسـیم کرده بودند. به‌گونه‌ای که جوانان یا در علوم دنیوی تخصـص می یافتند اما از تعلیمات دینی بی بهره می ماندند، یا در علوم دینی مهارت پیدا می کردند ولی از نیازهای عملی زندگی دنیوی آگاهی کافی نداشـــتند. جامعه محمدی از همان آغاز، رفع این شـــکاف را مهم ترین هدف خود قرار داد. بر پایهٔ این نظریهٔ آموزشـــی، دانش پژوه نه تنها علوم دینی و فقهی را فرا می گیرد، بلکه در علوم دنیوی نیز مهارت می یابد، تا بتواند هم زمان قاضـــی، وکیل، امام و رهبر باشـد و در عین حال، با اصـول شـریعت نیز آشـنایی کامل داشته باشد.

پیش از قیام پاکسـتان، بنیادهای جامعه محمدی بتدریج اسـتحکام یافت و در جریان نهضـت تأسیس پاکستان، حضـرت مولانا محمد ذاکر با شـور و نشـاط فراوان مشـارکت کرد. ایشـان در جهنگ به عنوان رئیس کمیتهٔ مسـلمین نیز خـدمـت نمود و در میـان مردم روحیـهٔ آزادی خواهی و میهن دوســـتی را برانگیخت. سـرانجام، پس از تأسـیس پاکسـتان در ۱۴ اوت ۱۹۴۷م، اهداف و مقاصـد جامعه محمدی به طور رسـمی به ثبت رسـید و بدین‌گونه پایه‌ای نهاده شد تا این نهاد به صورت یک حرکت پایدار و منظم به پیش رود.

عزم‌ها و اهداف جامعه محمدی:

پس از تأسـیس پاکسـتان، جامعهٔ محمدی وارد مرحله‌ای نوین از حیات خود شد و اعضای هیئتِ مدیره از دولت پاکستان درخواست کردند که این مؤسسه به عنوان یک دانشگاه اسلامی مستقل به رسمیت شناخته شود.

اهداف ثبت شده به شرح زیر است:

- تأسیس یک جامعه بزرگ بر بنیاد علوم اسلامی و ایجاد شعبات وابسته به آن.
- فراهم آوردن آموزش عالی، ترویج پژوهش در علوم عالیه اسلامی، و اهتمام به نشر و اشاعه کتاب‌های اسلامی.
- تقویت روابط علمی و فرهنگی میان کشورهای اسلامی.
- اصلاحِ نصاب و نظامِ تعلیم و تدوین برنامهٔ آموزشی نوین که بر مبنای دیدگاه خالص اسلامی استوار باشد و با نیازهای مسلمانان هماهنگ گردد، نیز تأسیس بخش‌های صنعتی، نظامی، کشاورزی و طبی، و ترویج اصول و مبانی علمی.
- تأسیسِ دارالطریقت یا دارالتربیت، تا استادان، مبلغّان و کارگزارانی تربیت شوند که از روح اسلام سرشار باشند.

این اهداف و مقاصد ثبت شده، در هر پمفلت، مجله و نشریهٔ جامعهٔ محمدی پیوسته منتشر می شوند. دستاوردها و تأثیرات جامعهٔ محمدی در صفحات آینده به تفصیل بیان خواهد شد.

اصلاحِ نصابِ تعلیم و جامعه محمدی:

نصب‌العین و نظریهٔ بنیادین جامعهٔ محمدی آن بود که نصاب آموزشی موجود به گونه‌ای تنظیم شود که فارغ التحصیلان نه تنها در علوم دینی تبحّر داشته باشند، بلکه در علوم جدید دنیوی، علوم طبیعی، فناوری و زبان انگلیسی نیز مهارت یابند. هدف از این امر آن بود که هر دانشجو به طور هم زمان مصلح

جامعه، مبلغ اسلام و عالمی عامل باشد و بتواند بر اساس اقتضائات عصر حاضر، مسئولیت‌های دینی و دنیوی خویش را به درستی انجام دهد. پیش از تأسیس پاکستان، این تلاش در مقیاسی محدود ادامه داشت؛ اما پس از قیام پاکستان، شتابی ویژه گرفت و روندی منظم و رو به توسعه یافت.

در ارتباط با این طرح، جامعۀ محمدی با بزرگان علما، مدیران جامعات و محافل علمی گوناگون مکاتبه و مراسله کرد. سرانجام در روز ۱۸ رجب المرجب، برای سامان دهی این کار، با مشورت علما، فضلا و اکابر دین، کمیته‌ای به منظور اصلاح نصاب جامعۀ آموزشی تشکیل شد. از میان چهل عالم و مدیرِ شرکت‌کننده در آن زمان، چند شخصیت برجسته بدین شرح‌اند: سید سلیمان ندوی (بهوپال)،سید مناظر احسن گیلانی (دکن)،ناظم جامعه نظامیه (دکن)،علامه بشیر احمد عثمانی، ناظم جامعه عثمانیه (دکن)،بشیر احمد هاشمی، حسن الاظمی الازهری، سید سعید احمد کاظمی (ملتان) و قاری محمد طیب (دیوبند).

این گروه پیوسته هدایت و راهبری اصلاحات در نصاب آموزشی را بر عهده داشت و در تبدیل جامعه محمدی به مرکزی آموزشی که میان علوم دینی و علوم دنیوی توازن برقرار سازد، نقش مؤثری ایفا کرد. مرکزی که بتواند برای دانشجویان تربیتی عملی، علمی و روحانی فراهم آورد.

دانشکده های پیشنهادی:

جامعه محمدی برای گسترده‌تر و جامع‌تر ساختن افق‌های آموزشی خود، در نظر دارد مجموعه‌ای از دانشکده‌ها گوناگون را تأسیس کند تا دانشجویان

بتوانند در علوم دینی و علوم دنیوی به طور هم زمان مهارت یابند و در هر عرصه از توانایی‌های علمی و عملی برخوردار گردند.برای فعال‌سازی مؤثر این دانش کده های پیشنهادی و هماهنگ ساختن آن‌ها با نیازها و اقتضائات عصر حاضر، صاحبزاده محمد قمر الحق ضیائی سیالوی به عنوان سرپرست کنونی این نهاد، با بصیرت، عزم راسخ و تلاش پیوسته، همواره در راه تحقق این هدف‌ها کوشا هستند.

کلیات پیشنهادی عبارتنداز:

۱ .دانشکده اصول دین(College of Theology)

در این دانشکده، قرآن کریم، تفسیر و اصول تفسیر، حدیث و اصول حدیث، فقه و اصول فقه، مقایسه ادیان و علم کلام، به صورت سنتی و نوین تدریس خواهد شد تا دانشجویان در علوم دینی عمق و گستره لازم را به دست آورند.

۲ .دانشکده حقوق و تشریع اسلامی(Islamic Law College)

این دانشکده مرکز مطالعه و پژوهش در زمینه قانون اسلامی خواهد بود و در آن موضوعاتی چون فقه اسلامی، اصول فقه، تاریخ تطور فقه، تنظیم و تدوین فقه، قوانین معاصر، علم فرائض و حقوق بین‌الملل تدریس و بررسی خواهد شد.

۳ دانشکده زبان و ادبیات(College of Language and Literatures)

در این دانشکده آموزش جامع زبان‌ها ارائه خواهد شد؛ از جمله عربی، فارسی، اردو، بنگالی، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، روسی، اندونزیایی، ترکی، چینی و ژاپنی، و نیز دیگر زبان‌های خارجی. همچنین مهارت‌های نوشتاری و گفتاری

در این زبان‌ها تقویت می‌شود تا دانشجویان بتوانند در خارج از کشور، تبلیغ اسلام و خدمات علمی را به بهترین شیوه انجام دهند.

۴ .دانشکده علوم اجتماعی و انسانی

(College of Social Sciences and Humanities)

در این دانشکده فلسفه، منطق، تصوف، مابعدالطبیعه، جامعه‌شناسی، تاریخ و سیر، علوم اجتماعی، اقتصاد و علوم سیاسی تدریس خواهد شد تا دانشجویان در علوم انسانی و پژوهش‌های اجتماعی مهارت لازم را کسب کنند.

۵ .دانشکده علوم(Science College)

این دانشکده ویژه علوم جدید خواهد بود که در آن فیزیک، ریاضیات، شیمی، زیست‌شناسی، جانورشناسی، گیاه‌شناسی، نجوم، علم طبقات زمین و جغرافیای سرزمین‌ها و مانند آن تدریس خواهد شد.

۶ .دانشکده فنی و مهارتی(Technical College)

در این دانشکده آموزش‌های عملی و فنی ارائه خواهد شد و رشته‌های آن شامل موارد زیر است: خوشنویسی، چاپ و نشر، پلی‌تکنیک، صابون‌سازی، خیاطی، مهارت‌های تجاری، سفالگری و ساخت ظروف، رادیو و ضبط‌سازی، داروسازی، باغبانی و صنایع نگهداری مواد غذایی مانند تولید و حفظ کیفیت روغن حیوانی و عسل.

۷ .دانشکده طب(Medical College)

این دانشـــکده شـــامل شـــاخه‌های طب قدیم و جدید، هومیوپائی و تاریخ پزشـــکی خواهد بود، تا دانشجویان از مهارت عملی و نظری به‌گونه‌ای کامل برخوردار شوند.

۸ . دانشکده دختران(Girls College)

این دانشـکده به‌طور ویژه برای دانشـجویان دختر اختصـاص خواهد داشـت، جایی که آموزش جامع در محیطی دینی و شـــرعی فراهم می‌شـــود و آنان با تربیت علمی، اخلاقی و معنوی به‌گونه‌ای هماهنگ پرورش می‌یابند. (لیاقت، ۱۹۶۵م، ص ۴۰)

از زمـان تـأســـیس تـاکنون، این نهـادِ جـامعـه محمـدی در چـارچوب همین دانشـــکده‌های پیشـــنهادی، به خدمات علمی و آموزشـــی خود ادامه داده و تشنگی دانش‌پژوهان و طالبان علم را فرو نشانده است. پس از وفاتِ حضرت مولانا محمد ذاکر، رهبری و مسئولیت‌های اجرایی مؤسسه را حضرت مولانا محمد رحمت الله، فرزند برومندش و خدمت گزارِ جامعه، بر عهده گرفت. او نه تنها اندیشه‌ها و اصول آموزشی پدر بزرگوار خویش را تداوم بخشید، بلکه جامعه را به عنوان مرکزی اســتوار، پویا و برخوردار از جایگاه علمی و معنوی حفظ کرد. جایی که در آن، در کنار علوم دینی و دنیوی، پرورش شـخصـیت و تربیت عملی نیز از اهمیتی برابر برخوردار است.

حضرت مولانا محمد رحمت الله:

حضـــرت مولانا محمد رحمت الله در ۲۷ ژانویه ۱۹۳۵م در محمدی شـــریف چنیوت دیده به جهان گشودند. ایشان فرزندِ مولانا محمد ذاکر بودند.

ایشـــان گواهینامهٔ عالی «شـــهادتُ العالِمیه» (بالاترین ســـندِ درسِ نظامی) را دریافت کردند و در علوم اســـلامی از مهارتی ژرف برخوردار بودند. هم چنین در دارالعلوم مدینه در عربستان سعودی به تحصیل علم پرداختند.

وابستگی به جامعه محمدی شریف:

این مؤسسه را مولانا محمد رحمت الله به صورت میراث به دست آوردند و به عنوان ناظمِ عمومی و ســـرپرســـت، خدمات ارزنده‌ای انجام دادند. زندگی و خدمات ایشان بخش مهمی از روند پیشرفت جامعه به شمار می‌آید. ایشان با دل و جان به این نهاد وابسته بودند و در توسعه و خدمت آن نقش بسزایی ایفا کردند. تربیت طلاب و گســـترش تعلیمات دینی از مهم‌ترین عرصـــه‌های فعالیت ایشـــان بود. در دوران مدیریت ایشـــان، جامعه در مســـیر نوســـازی و پیشـــرفت گام نهاد، و به پاس همین خدمات ارزشـــمند، از ایشـــان با عنوان «محسنِ جامعه» یاد می‌شود.

خدمات سیاسی و دینی:

مولانا محمد رحمت الله در دوره‌های مختلف به عنوان عضـــو مجالس ملی و استانی انتخاب شدند. در عرصهٔ سیاست، برای ترویج ارزش‌های اسلامی و رفاه عمومی مردم فعالیت کردند و در دوران مسئولیت خود مؤسسات فراوان آموزشـی و رفاهی تأسـیس نمودند. ایشـان از مخالفان تعصـبات فرقه‌ای و از حامیان وحدت امت و رواداری دینی بودند. همچنین در جامعه، همگام با نیازهای عصر، در کنار پیشرفت‌های نوین، به گسترش و تقویت آموزش‌های دینی اهتمام ورزیدند.

ایشـــان در ۹ نوامبر ۲۰۱۹ میلادی دنیای فانی را وداع گفتند (عدنان، ۲۰۲۳م، ص ۴۳) و در کنار مرقد پدر گرامی خویش به خاک سپرده شدند. مزار پُرانوار ایشـان امروز زیارت گاه خاص و عام اسـت. پس از رحلت ایشـان، سـرپرسـتی مؤسـســـه را فرزندشـــان مولانا محمد قمر الحق بر عهده گرفتند که به‌عنوان سـجاده نشـین و سـرپرسـتِ اعلیٰ، روند پیشـرفت علمی و اداری مؤسـسـه را همچنان ادامه می‌دهند.

صاحبزاده محمد قمر الحق ضیایی سیالوی:

ایشـان از جمله رهبران جوان دینی و تعلیمی عصـر حاضـر به شـمار می‌آیند که با تلفیقی زیبا از سـنت و تجدد، خدمات علمی و نهادی ارزشـمندی انجام می دهند. در حال حاضـــر به عنوان رئیس، ناظمِ عمومی و مدیر ارشـــد جامعه محمدی شـریف چنیوت ایفای وظیفه می کنند. ایشـان از خاندان برجسـته‌ای از علما و اهل دین برخاســته‌اند. پدر گرامی‌شـــان مولانا محمد رحمت الله و جدّ بزرگوارشـــان مولانا محمد ذاکر بنیان‌های این مؤســـســـه را بر پایه علم، معنویت و خدمت به دین استوار ساخته اند.

اسـم کاملشـان حافظ محمد قمر الحق سـیالوی اسـت. ایشـان در ۲۴ نوامبر ۲۰۰۱م/۷ رمضـان المبارک ۱۴۲۲ق در منطقهٔ محمدی شـریف، از نواحی شـهر علمی و روحانی چنیوت یعنی محمدی شـریف دیده به جهان گشـودند، جایی که در فضـایی دینی پرورش یافتند و از همان سـال‌های نخسـت زندگی با شـوق علم و خدمت آشنا شدند.

تحصـــیلاتِ مقدماتی خود را در جامعه محمدی شـــریف فرا گرفتند و قرآنِ مجید را نزد اســتاد برجســته، حافظ محمد شــفیع، حفظ کردند. ســپس برای کســب مهارت در عرصــه‌های نوین علمی وارد دانشــگاه بین‌المللی اســلامی، اســلام آباد شــدند و از آنجا مدرک کارشــناســی ممتاز (آنرز) در رشــتۀ حقوق اسلامی دریافت نمودند.

در حال حاضـر وی در رشـتۀ حقوق اسـلامی در مقطع عالی کارشـناسـی ارشـد حقوق مشـغول تحصـیل هسـتند، که نشـان می‌دهد که ایشـان در کنار بصـیرت دینی به علوم حقوقی و معاصر نیز علاقه‌ای عمیق دارند.

صـــاحبزاده محمد قمرالحق در پیشـــرفت اداری، آموزشـــی و فکری جامعۀ محمدی شـریف نقشـی کلیدی ایفا می‌کنند. ایشـان افزون بر سـامان‌دهی این نهاد بر اســاس نیازهای نوین آموزشــی، فعالیت‌های علمی آن را نیز تا ســطح بین‌المللی گسترش داده‌اند که در زیر درج می شود:

- ارتباطاتی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی داخلی و خارجی برقرار شد.
- کارگاه‌های پژوهشــی، کنفرانس‌های علمی و ســمینارها به طور منظم برگزار گردید.
- در چارچوب تبادلات علمی بین‌المللی، اندیشـــمندان برجســـته از کشــورهای مختلف، از جمله ایران، مصــر و عربســتان ســعودی، در قالب سـخنرانی‌ها و نشـسـت‌های علمی در جامعه حضـور یافته‌اند و مشارکت کرده‌اند.

این فعالیت‌ها گواهی روشـــن بر آن اســـت که ایشـــان برای ترویج گفت‌وگوی علمی، پژوهش و همکاری‌های بین‌المللی اهمیت فراوان قایل هستند. ایشان منادی وحدت امت، رواداری دینی و جامعه‌ای به دور از فرقه گرایی هســـتند. در اندیشه ایشان تعالیم جامع و معتدل اسلام جلوه‌ای برجسته دارد که بر علم، اخلاق و احترام متقابل استوار است. همین گستره فکری سبب شده است که عالمان و پژوهشـــگران از مکاتب فکری گوناگون و مناطق مختلف جهان به جامعه محمدی شریف روی آورند.

صاحبزاده محمد قمر الحق ضیایی سیالوی آمیزه‌ای زیبا از بصیرت علمی و توانایی مدیریتی اســـت. ایشـــان نه‌تنها میراث علمی و معنوی نیاکان خود را حفظ کرده‌اند، بلکه آن را متناســـب با نیازهای عصـــر حاضـــر توســـعه و ارتقا داده‌اند. خدمات ایشـــان گواه آن اســـت که اگر نهادهای دینی از رهبری روشـــن‌بین و الهام‌بخش برخوردار شـــوند، می توانند به مراکزی مؤثر برای اصلاح علمی، معنوی و اجتماعی بدل گردند.

منابع و مآخذ:

- انجم، غلام محمد (۱۹۸۵م)، جامعه محمدی و خدماتِ دینی وی، نسخۂ خطی، کتابخانه ضیاءالدین، جامعه محمدی شریف، چنیوت
- ذاکر، مولانا محمد (ژوئیه ۱۹۴۹م)، "اصلاح نصاب تعلیم و سعی پیهم جامعه"، مجله الجامعه، اداره جامعه محمدی شریف، چنیوت
- ذاکر، مولانا محمد (بی تا)، بیاضِ خاص حضرت مولانا محمد ذاکر، نسخۂ خطی، کتاب خانۂ شخصی محمد قمرالحق (نبیره مولانا محمد ذاکر)
- روداد جامعه محمدی شریف (۱۹۴۰م تا ۱۹۴۹م)، نسخۂ خطی، کتابخانه شیخ نافع، جامعه محمدی شریف چنیوت
- عدنان، علی (۲۰۲۳م)، تاریخِ محمدی شریف و شعرِ پنجابی، سنگت پبلی کیشنز، لاهور
- قصوری، محمد صادق (۱۹۷۶م)، اکابرِ تحریکِ پاکستان، نوری بک دپو، لاهور
- لیاقت، ممتاز (ژوئن ۱۹۶۵م)، "جامعه محمدی ایک تعارف" مجله الجامعه،جامعه محمدی شریف، چنیوت